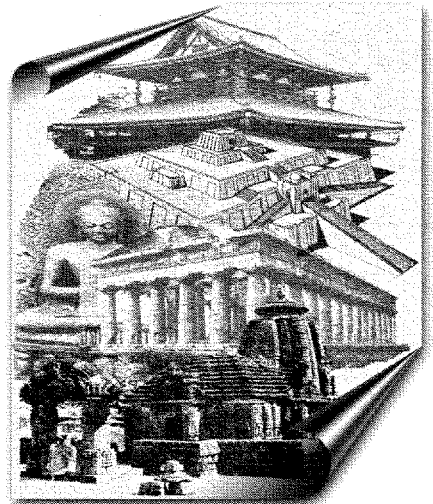




حج

در رهگذر تمدن‌ها

ماجده مؤمن / محمد تقی رهبر



پیش در امد:

پیشینه حج را می‌توان با تاریخ حیات انسان پیوند داد. به بیان قرآن کریم نخستین خانه‌ای که برای مردم بنا شده، کعبه است در مکه مکرمه، که از همان آغاز حیات انسان در زمرة شعائر موحدان و پیامبران خدا از آدم علیه السلام تا خاتم علیه السلام بوده، که همواره برای طواف و انجام مناسک حج، به آن دیار بار سفر بسته‌اند.

بدینسان، حج در ادیان آسمانی جایگاه ویژه داشته است، هر چند در رهگذر تاریخ کهن حیات جامعه‌ها و فرهنگ‌ها، دستخوش تحولاتی گردیده و گاه با خرافات و تحریف‌ها آمیخته شده و از مسیر اصلی‌اش به انحراف گراییده است.

حج در رهگذر تمدن‌ها از موضوعات جالب و قابل تحقیق و پژوهش است که محققان کمتر بدان پرداخته‌اند.

کتاب «الحجّ عبر الحضارات و الأمم» این موضوع را به بررسی نهاد و مباحثی را در این خصوص ارائه نموده که در جای خود شایسته تقدیر است.

آنچه در این نوشتار می‌خوانید بخش‌هایی از کتاب یاد شده است که به شیوة گزینشی ترجمه شده و از نظر خوانندگان گرامی فصلنامه «میقات حج» می‌گذرد:

نگاهی به تاریخ حج

برخی بر این باورند که حج مراسمی است ویژه آیین اسلام و آداب مسلمین و تنها بدان‌گونه عمل می‌شود که در فقه اسلامی و کتاب و سنت تفصیل داده شده است. در حالی که برای یک کاوشگر که تمدن‌های باستانی و ادیان آسمانی و یا ساختگی را بررسی می‌کند، مبرهن می‌گردد که حج یک رکن اساسی دینی است که تمدن‌های گوناگون با آن سر و کار داشته و ادیان آسمانی و آیین‌های ساختگی به شکلی که بعضاً به حج اسلامی شباهت دارد، با آن مانوس بوده‌اند. همچنین کشفیات جدید از آثار بر جای مانده و پیشین و تطورات فرهنگی و معرفتی و شناخت ملت‌های بدوی از خلال مطالعات میدانی می‌تواند ما را در دستیابی به معلومات از این فریضه بزرگ جهانی یاری رساند.

بسیاری از ابنیه، معابد و مراکز دینی پراکنده در سراسر عالم به‌ویژه مناطق مسکونی دجله و فرات و وادی نیل و نمادهای پرستش در بسیاری از شهرها و کشورها، در حقیقت مراکزی هستند برای حج که زائرانی برای انجام اعمال عبادی آهنگ سفر به آنها نموده و آداب و

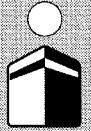
اعمال دینی ویژه‌ای را که برای پیروان ادیان تعریف شده است، به انجام می‌رسانند. آیا این چیزی جز معنای حج است که تشکل‌های خاص به قصد عبادت در زمان معین به این مراکز بار سفر می‌بندند؟

حج، هر چند در میان تمدن‌ها و آیین‌ها یکسان نبوده است، اما نمونه بارز آن، همانا حجی است که خدای متعال بر بندگان خود واجب ساخته است.

نمونه بارز حج و مرجع حقیقی انواع حج در تاریخ حیات بشر، همانا حج پیامبران و حج ابراهیم خلیل علیه السلام است که مردم را برای زیارت نخستین خانه مقدس در کره خاک فراخواند، نخستین خانه از بیوت خداوند که برای هدایت بشر و آمرزش گناهان بنا شده، بیت‌الله العتیق در مکه مکرمه است، همان‌گونه که فرمود:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۱
«نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شده، خانه‌ای است مبارک در مکه مکرمه و هدایت‌گر جهانیان است.»

پیام آیه این است که این خانه را خداوند، از آغاز حقیقت برای همه مردم



الْحَيَاةُ الدُّنْيَا^۲

«دینشان را بازپچه و سرگرمی

گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفت.»

و به کلی از دین منحرف شدند جز

آنان که از هدایت و دستگیری خداوند

بهره‌مند گردیدند؛ **﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ**

أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا

الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ

حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ﴾^۳ «ما در میان هر

امت پیام آوری فرستادیم تا آنان را به

بندگی خدا و اجتناب از طاغوت فرا خواند،

برخی از آنان را خداوند هدایت فرمود و

برخی مستوجب ضلالت و گمراهی شدند.»

و آنگاه که بیشتر مردم از آیین

حنیف و دین خدا دور افتادند، به پرستش

بتان رو آوردند و خدایان متعدد گرفتند؛

خدای آفتاب، خدای ماه، خدای خیر و

خدای شر...

برخی ظواهر طبیعت، همچون

درختان و جنگل‌ها و کوه‌ها و نهرها

و ستاره‌ها و افلاک را تقدیس و پرستش

کرده و برخی قبور مردگان و حیوانات

مخصوص را مورد ستایش قرار دادند

و برای آنها اماکن و مراکزی ساختند و در

اوقات معین و غالباً اعیاد، به زیارت

آنها آمدند و به صورت دسته جمعی

و تمامی ادیان قرار داده و تا قیامت با

همین عنوان پا برجا خواهد ماند و به

گروه خاص و آیین به خصوص

اختصاص ندارد؛ زیرا مبدأ و منبع دعوت

به دین خدای یگانه است و جز او چیزی

وجود ندارد. آفریدگار جهان و انسان

یکی است و دعوت به هدایت در همه

ادیان آسمانی توحیدی نیز یکی بیش

نیست و امکان ندارد که آفریدگار میان

بندگان خود فرق بگذارد که برای گروهی

از آنها خانه‌ای مبارک و کانون رحمت و

خیر و برکت را قرار دهد و برای دیگران

قرار ندهد. تعبیر آیه کریمه با عبارت:

«وَضِعَ لِلنَّاسِ» و **«وَهَدَىٰ لِلْعَالَمِينَ»**

مؤدی همین مفهوم است؛ یعنی کعبه

برای مردم نهاده شده و هدایتگر جهانیان

است.

لیکن در گذرگاه حیات انسان، ادیان

الهی و تعالیم آسمانی و کتاب‌های فرود

آمده از سوی خداوند مانند: صحف

ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی و

زبور داود دستخوش تحریف گردیده و

هواهای نفسانی و امیال بشری در آن

دخالت کرده و آنها را به بازی گرفته است

چنانکه آیه کریمه بیان می‌کند:

﴿اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لِبَإٍ وَ لَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ





آهنگ آن اماکن نمودند و از این جا حج ادیان پدید آمد!

حج در تمدن وادی نیل

سرزمین مصر در دوران فراعنه به معابد و مقابر همچون اهرام و تعدد خدایان معروف است و تنها در عهد «اخناتون» به آیین توحید شهرت یافته است. مراکز پرستش در نواحی مختلف مصر قدیم پراکنده‌اند، که مشهورترین آنها «کَرَنک»، «اَقْصُر»، «اِدْفُوا» و «دنداره» می‌باشد. برخی از این اماکن در قلّه‌های کوه‌ها بنا شده؛ مانند معبد «ابی سنبل» در بلاد «نوبه» که مشهورترین آنها و به قولی قدیمی‌ترین هیاکل می‌باشد. این معبد در نگاه مصری‌های قدیم، از اهمیت بسیاری برخوردار بوده که رامسیس دوم در دوره سلطنت خود به حفاری بیشتر آن فرمان داد و بنای آن را به اتمام رسانید.^۴ هر چند مصری‌ها به خدایان متعدد عقیده داشتند اما از آن میان دو مورد را بر همه خدایان مقدم می‌داشتند؛ یکی «اُزیریس» [Osiris] که به عقیده آنها مقهور مرگ نیست و دیگری، خورشید که در آسمان شفاف مصر چشم‌ها را خیره می‌کند و به نام «رَع» موسوم است و

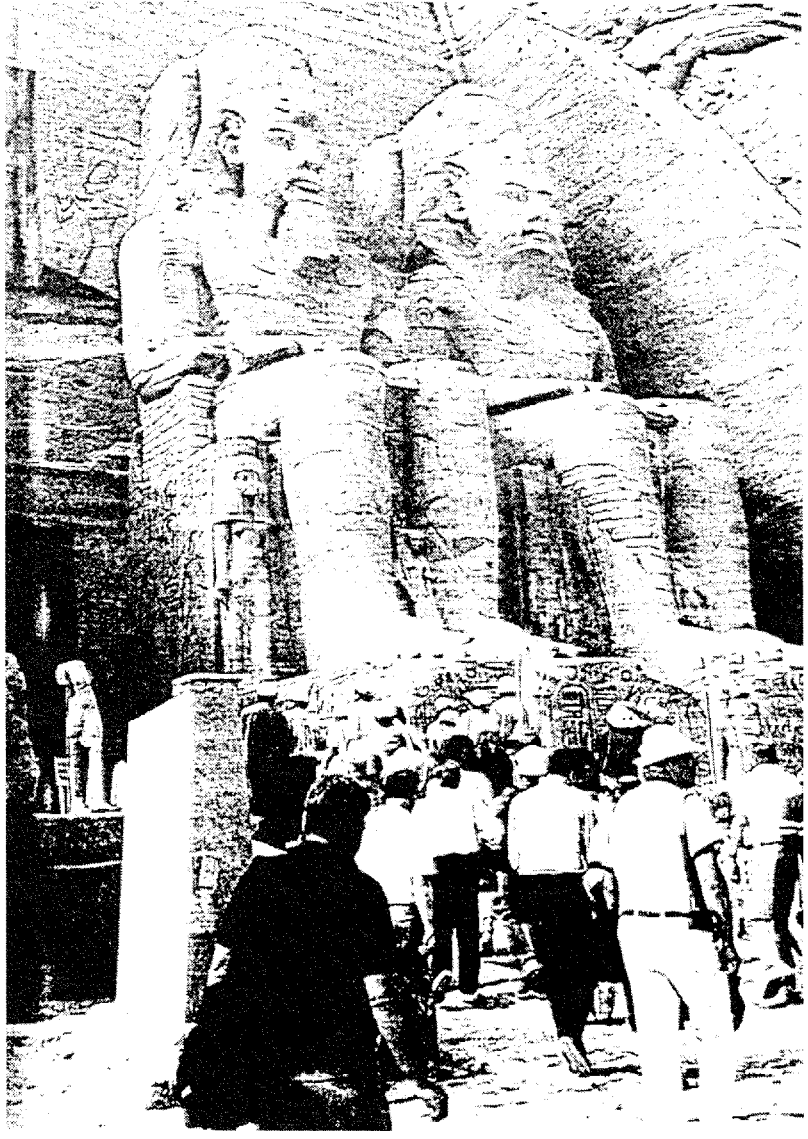
بزرگترین خدایان مصر می‌باشد؛ مانند خدای زندگی بخش که مصری‌ها برای عبادت آن بزرگترین معبد هایشان را به پا داشته و اهرام مصری نمادی است مقدس برای آلهه مورد ستایش آنها. بزرگی این هیاکل به اعتقاد آنان در خور خدایان مورد ستایش بوده؛ مانند معبد کرنک که طول آن به صد متر می‌رسد.

این خدایان در نهایت به صورت انسان‌ها درمی‌آیند و به عبارت صحیح‌تر؛ انسان‌ها در قالب خدایان ظاهر می‌شوند. خدایان مصر در قالب انسان‌ها مردان یا زنان مقتدرند که در سیمایی قهرمانی ظهور می‌کنند. مصری‌ها «اُزیریس» را خدای خود می‌دانستند و پس از مرگ، قبر او مورد توجه نسل‌های بعدی قرار گرفت. آنها عقیده داشتند که خدایانشان در معبد «اُزیریس» در شهر «اُبیدوس» [Abydos] در ایام عید این معبود اجتماع می‌کنند. از این رو، به همین مناسبت قصد زیارت آن را می‌نموده و بدانجا جهت اعمال ویژه حج گرد می‌آمدند.

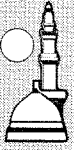
شهر «اُبیدوس» تاریخ دینی و سیاسی با اهمیت و شایان توجهی دارد. در این شهر قدیمی‌ترین شاهان مصر به

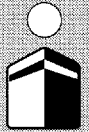
می‌کردند و به اعتقاد آنها «ازیریس»
 سرسلسله شهدای آنها است که دیگر
 شهیدان جز از درب او وارد بهشت
 نمی‌شوند و به همین مناسبت مزار دیگر
 شهیدان را در آنجا قرار می‌دادند!^۵

خاک سپرده شده‌اند. عبادت «ازیریس»
 بدان جا انتقال یافته و در جایی که امروز
 به «ام عقاب» معروف است قبر او را قرار
 داده‌اند. «ابیدوس» به اصطلاح، کعبه
 مصری‌ها بود که در اطراف قبرش طواف



معبد اسی سنبل که قبر ازیریس در آنجاست.





برای «ازیریس» اسطوره‌ای است که بر دیوار معبد بالغت عبری نوشته شده، این اسطوره خرافی به اعتقاد آنها تا بدان جا اهمیت داشته که قبر قهرمان داستان آن، کعبه طواف علاقه‌مندانش بوده که هدایای نفیس و گرانبها به آن هدیه می‌کردند.

حج در تمدن بین النهرین

تمدن بین‌النهرین (دجله و فرات) شامل: سومری، بابل، کلدانی و آشوری، با سه هزار سال پیشینه تاریخی، کانون معابد و آیین‌ها بوده است. در وادی «رافدین» خدایان متعدد بودند. در هر شهری معبودی یا معابدی وجود داشته است.

مهم‌ترین بناهای دینی به نظر آنان، معابد و مقابر بوده که «زقوره» نامیده می‌شد و قدیمی‌ترین آنها برج بابل است که سومری‌ها آن را بنا کرده و خدای «نبو» را در آن پرستیده‌اند. در هر یک از شهرهای بزرگ سرزمین بین‌النهرین یک معبد بزرگ وجود داشته که یک برج بلند در آن بنا می‌شده است که آن را زقوره می‌نامیدند که در ابنیه مربع شکل، مربع و در ابنیه بیضوی شکل مدور بوده است و

از آن جا ستارگان را رصد می‌کردند. چه، علوم فلکی در آن عصر رواج داشته است و برای آن در زندگی روزانه و حیات دینی اهمیت خاصی قائل بوده‌اند. و بدین وسیله آغاز سال جدید را اعلام می‌کردند که هم‌زمان آداب دینی برگزار می‌شد و زائران «زقوره» بدان جا بار سفر می‌بستند.

از جمله مذاهب سرزمین بین‌النهرین که تاریخ آن به عهد قدیم باز می‌گردد، آیین صابئین، که پیروانش مدعی‌اند که معلم نخستین آن دو پیامبر و فیلسوف به نام «عاذیمون» یعنی روح پاک و «هرمس» بوده‌اند و می‌گویند «عاذیمون» همان شیث فرزند سوم آدم علیه السلام و هرمس همان «ادریس» علیه السلام می‌باشد و نیز به گفته آنان «ارفئوس» از فلاسفه و پیامبران آنها بوده است.^۶

این گروه در شهر حران، در جنوب شرقی ترکیه کنونی میان موصل و شام سکنی داشته‌اند... حران شهری مقدس در نظر صابئین بوده که به قصد زیارت معبدی که در آن قرار داشته و به نام «سن» خدای ماه موسوم بوده، می‌آمده‌اند. گروه دیگری از صابئین به قصد زیارت

رهسپار «حاران» یا «حران» می شده‌اند که محل هجرت ابراهیم علیه السلام بوده و صابئین حرانی بدانجا منسوبند.^۷

صابئین به رغم کمی عدّه، گروه‌های متعددی هستند؛ بعضی به کاظم بن تارخ که به گفتهٔ مقریزی به آیین برادر ابراهیم بوده‌اند، نسبت داده می‌شده و در برابر آیین ابراهیم قرار گرفته‌اند.

صابئین فرق مختلفی هستند و در کتاب‌های ملل و نحل نامشان و عقاید و آدابشان آمده که در این جا در صدد آن نیستیم.

فرقه‌ای از صابئین هستند که بیت‌الله الحرام را بزرگ می‌شمرند و کعبه را احترام می‌کنند و همه ساله به زیارت آن می‌آیند. این فرقه بر این باورند که کعبه و بت‌های آن به آنها تعلق داشته است و بت پرستان از آنان بوده‌اند و آنها «لات» و «عزّی» را به نام ستاره زحل و زهره نامیده‌اند!

نقل می‌شود که صابئین کعبه را تعظیم می‌کنند و معتقدند آن را هر مس یعنی ادریس بنا کرده و آنجا خانهٔ زحل بزرگترین ستارهٔ سیاره است، از قول برخی عارفان آنها نقل شده که آنها صفات حضرت محمد صلی الله علیه و آله را در کتاب‌هایشان

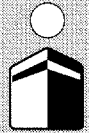
خوانده‌واو را پادشاه عرب می‌نامیده‌اند.^۸ قرآن کریم در سه مورد از صابئین سخن گفته است: سورهٔ بقره آیهٔ ۶۲، سورهٔ مائده آیهٔ ۶۹ و سورهٔ حج آیهٔ ۱۷.

این آیین در پاره‌ای موارد، با دیگر آیین‌ها مشترک و در پاره‌ای موارد متفاوت است.

حج در تمدن ایران باستان

در تمدن فرس قدیم آداب و رسوم و عقاید و اندیشه‌هایی وجود داشته که شرح آن از این مجال بیرون است و تنها به بخشی کوتاه از آن بسنده می‌کنیم و آن آیین زردشتی است که مشهورترین آیین ایران باستان بوده و در قرن دهم یا ششم قبل از میلاد مورد توجه ایرانیان بوده و هنوز برخی از پیروان آن در یزد ایران و هندوستان به سر می‌برند. پیروان آیین زردشتی تعالیم خود را از پنج کتاب مقدس که پیامبرشان زردشت آن را وحی خدای یگانه به نام «اهورا مزدا» یعنی خدای نور و آسمان می‌داند، گرفته‌اند. یکی از این کتاب‌های مقدس کتاب «الیاسنا» می‌باشد که به شعائر و آداب می‌پردازد و می‌توانیم از آن چنین برداشت کنیم که این آداب و شعائر،





شکلی از اشکال حج را به نمایش می‌گذارد، از جمله آنهاست زیارت‌های سالانه از معابد در اعیاد دینی که در آن قربانی و ندورات و مراسم و آیین‌های مقدس انجام می‌شود.

پیروان آیین زردشت زیارت‌های سالانه‌ای دارند که در آن مراسم، آداب ویژه دینی را انجام می‌دهند، لباس سفید می‌پوشند و قربانی می‌کنند و این حج به معنای لغوی است.

حج در تمدن روم

در تمدن روم نیز مراسمی به عنوان حج وجود دارد که در آن مراسم آداب ویژه دینی تنظیم شده است. آنها ابنیه بزرگ و چهارگوش و مدور ساخته‌اند و برای آنها قربانی و هدایا و ندوراتی را تقدیم می‌کنند. برای هر یک از این هیاکل، خدایی را نهاده و برای جلب خشنودی خدایان و احتراز از خشم آنها بدان‌ها تقرّب می‌جویند. کاهنان به زائران هیاکل و معابد توصیه می‌کنند که با دقت مراسم و آداب دینی را انجام دهند و به این منظور در اعیاد سالانه و غیر آن، حضور به هم رسانند و هرگاه در یکی از این آداب دینی خطایی رخ دهد، واجب

است آن را اعاده کنند حتی اگر سی بار آن عمل تکرار شود.^۹

مهمترین این آداب قربانی کردن است که در یکی از اعیاد به نام عید خوک و گوسفند و گاو انجام می‌شود. آنها عقیده دارند که هرگاه صیغه‌ای خاص بر قربانی خوانده شود به آن خدایی تعلق خواهد داشت که به نام او قربانی شده و بدین ترتیب قربانی برای خدایان صورت می‌پذیرد...

رومیان محل دیگری نیز برای حج برگزیده‌اند و آن خدای ماه به نام «دیانا» می‌باشد. دیانا به زعم آنها، روح درختی است که از اریسا آورده‌اند، آنگاه که این اقلیم در برابر حکومت رم تسلیم شد! در نزدیکی اریسا دریاچه‌ای است به نام «نیمی» و بیشه‌انبوهی که در آن زیارتگاه قرار دارد و ملجأ زائران و حج‌گزاران می‌باشد. آداب دینی رومیان تا قرن دوم میلادی ادامه داشته و از آن پس روم مسیحی اشکال و انواع دیگری از حج را مستداول ساخته که در بحث حج و مسیحیت خواهد آمد.

حج در تمدن هند

آیین‌های هند را به لحاظ کثرت

ساکنان و ادیان متعدد آن، نمی‌توان احصاء کرد. هند مانند مصر یا بابل یا روم نیست بلکه یک قاره است که آیین‌های بی‌شماری از بت پرستی و بربریت گرفته تا آیین‌های روحانی متعالی در این کشور وجود دارد.

هندوها نیز مانند دیگر ملل، اعیاد سالانه دارند. بعضی از این اعیاد با آداب زیارت و احترام به معبد یا ضریح یا بنای ویژه‌ای همراه است که می‌توان آن را چیزی شبیه حج به مفهوم لغوی آن برشمرد.

هندوها به تقلید پیشینیان خود دعاها و نمازها و آداب دیگری را به زبان سانسکریت می‌خوانند و کاروان‌های بزرگی به راه می‌اندازند و به عبارت دیگر حج گزاران زیادی را حرکت می‌دهند و رهسپار حرم‌ها و معبدهایی می‌کنند. آنها از عبادات نماز و ادعیه چیزی نمی‌فهمند؛ زیرا به زبان سانسکریت خوانده می‌شود. آنها فقط بت‌هایی را می‌شناسند که با زیور آراسته شده و با طلا مزین گشته است و با جواهرات قیمتی آرایش داده‌اند و به نوعی با آنها عمل می‌کنند که گویی انسانند و شعور دارند!

بزرگترین مراسم و آداب جمعی از دیدگاه هندی‌ها، قربانی کردن است. به نظر هندوها، قربانی فقط یک عمل صوری نیست بلکه آنها عقیده دارند که اگر برای خدایانشان قربانی نکنند، از گرسنگی خواهند مرد! آن زمان که خوردن گوشت انسان هنوز در میان هندوها رایج بود قربانی را از انسان‌ها می‌گرفتند و تدریجاً با پیشرفت اخلاق و فرهنگ مردم این کشور، قربانی انسان به قربانی حیوانات تبدیل شد.

مهمترین مرکز عبادی هندوان که از قرن شانزدهم قبل از میلاد مورد توجه بوده، شهر بنارس است که اهمیت ویژه‌ای به آن داده و همه ساله به عنوان کعبه حج برگزیده شده و حدود یک میلیون بودایی از هند و چین رهسپار زیارت آن می‌شوند و آرامگاه‌هایی را زیارت می‌کنند و معبد طلایی در آنجا قرار دارد.

ویل دورانت در توصیف این شهر می‌نویسد:

«بنارس یکی از شهرهای مقدس هند است که عنوان کعبه برای میلیون‌ها زائر دارد. مردان کهن سال و زنان سالخورده از اطراف و اکناف، قصد آن





می‌کنند و بدان جا می‌آیند تا در نهر مقدس (نهر کنج) خود را شست و شو دهند تا از گناه پاک شوند و از آلودگی پیراسته گردند و به زیارت مردگان بروند. این نمونه‌ای است از حج هند باستان، اگر چند قرن جلوتر بیاییم و به قرن هشتم هجری برسیم، با نوع دیگری از حج مواجه می‌شویم که برخی منحرفان آن را به اسلام نسبت می‌دهند که یکی از مدعیان مهدویت به نام «ملا محمد مهدی اتکی» پایه‌گذار آن بوده و آرای خود را در کتابی به نام برهان به نگارش در آورده است. داستان این حج آنگونه که «مولانا عبد الخالق» نوشته، بدین گونه است: «فردی گمراه به نام ملا محمد مهدی اتکی ساکن پنجاب بود. از آن جا هجرت کرد تا به محلی از بلوچستان به نام کیچ رسید و از جهل و نادانی مردم آن جا سوء استفاده کرد و خود را مهدی موعود خواند و گروهی به وی گرویدند. او گفت: در قیامت از نماز و روزه و حج و زکات کسی سؤال نمی‌شود! و با این بدعت کفرآمیز، گروهی را به ترک نماز و روزه و حج و زکات وادار ساخت و به جای حج کعبه مشرفه اعمالی مشابه حج را بدعت نهاد و

اما کنی شبیه اما کن مقدسه بنا کرد، مانند کوه عرفات و کوه ثور و غار جِرا و خانه کعبه تا مردم آن را به عنوان حج زیارت کنند.

احمد مولانا می‌نویسد: «حج آنها نه به سوی کعبه مکرمه و در ماه‌های حرام است، بلکه کوه معروفی به نام «کوه مراد» را که در جنوب شهر تربت قرار دارد محل برگزاری اعمال خود قرار داده و در روزهای آخر ماه رمضان از ۲۷ به بعد، طی سه روز حج می‌گزارند!»^{۱۰}

حج در چین

چین نیز مانند هند، کشور یک ملت و مذهب نیست بلکه آمیخته‌ای است از ملیت‌های مختلف و زبان‌های گوناگون و نامتجانس. تاریخ نگاران فرهنگ و تمدن هند را از سه هزار سال قبل از میلاد تا کنون به رشته تحریر در آورده و عادات و رسوم و ادیان آنان را به ثبت رسانیده‌اند که از ذکر آن می‌گذریم و تنها به شمه‌ای از آن چه به حج چینی‌ها و اعمالشان مربوط می‌شود، بسنده می‌کنیم:

مشهورترین بنایی که چینی‌ها به قصد زیارت آن می‌روند، «هی‌کائ و

قربان‌گاه آسمان» است. می‌گویند: امپراتور بزرگ چین به نام «تای دزونج» در ساعت سه بامداد روز اول سال چینی به جهت نیایش برای خانواده خود و مردم دیگر به آنجا می‌آمده و قربانی می‌کرده است و مردم چین این سنت را ادامه داده‌اند.

حج در ژاپن

به سراغ ژاپن می‌رویم، می‌بینیم مردم این کشور در بسیاری از امور؛ چون فلسفه و عقاید و فن معماری و بنای معابد از چین تقلید کرده‌اند. با این تفاوت که معابد ژاپن از نظر زیبایی و منبت‌کاری غنی‌تر از معابد چین می‌باشد. از دروازه‌های بزرگی که در مدخل ورودی به حرم و اماکن مقدسه در ژاپن وجود دارد، در چین دیده نمی‌شود؛ از جمله آداب دینی ژاپن این است که بودایی‌ها رهسپار شهر «نارا» می‌شوند تا با زیارت معابد آن شهر، یاد نیاکان خود را گرمی دارند که در گذشته در آنجا هم سوگند شدند که کشور ژاپن را از استعمار چین آزاد سازند و مردم ژاپن پیوسته به زیارت این شهر می‌آیند و به یاد گذشتگان‌شان، نیایش و قربانی می‌کنند. گروهی از مردم

ژاپن عادت دارند ارواح اسلاف خود را تقدیس کنند تا آن‌جا که عبادت آنها را جزو آداب دینی می‌شمرند... این معابد در لغت ژاپنی «فی جا یاما» نامیده می‌شود. فوجی به معنای آتش است.

نوعی دیگر از حج در ژاپن وجود دارد که مربوط به شکوفه‌ها است و می‌توان آن را «حج شکوفه» نامید. شکوفه‌ها در نظر ژاپنی‌ها از قداست برخوردارند و آنها را می‌پرستند و برای آنها قربانی می‌کنند. آنها در هر فصل نوعی از شکوفه را تقدیس می‌کنند.

حج پیامبران و تمدن‌ها

حج را در تمدن‌ها دیدیم، جای این پرسش است که پیامبران کجا بودند؟ مگر آنها برای ارشاد مردم نیامدند و مردم کجا بودند؟ مگر آنها فرزندان تمدن‌های پراکنده در اقطار جهان نبودند؟

حقیقت این است که پیامبران با عدد انبوهشان در میان همین تمدن‌ها می‌زیسته‌اند و سنت و سیره آنان ارشاد مردم به دین خدا بوده است. به رغم اینکه ابراهیم علیه السلام در تمدن بین‌النهرین می‌زیسته و یوسف و موسی در وادی نیل زندگی می‌کرده‌اند و پیامبران بنی اسرائیل





در تمدن فنیقی و برخی از تمدن‌های دیگر روزگار می‌گذرانده‌اند اما شناخت همه آنها که بنا به روایات وارده از پیامبر و ائمه علیهم‌السلام عددشان به ۱۲۴ هزار می‌رسد، میسر نیست.

همین قدر می‌توانیم بگوییم که آنچه از شعائر دینی صحیح در تمدن‌ها بر جای مانده، بی‌تردید به وسیله انبیا پایه‌گذاری شده است. پیامبران در همه تمدن‌های پیشین پیشوای حقیقی ملت‌های خود، بلکه همه مردم بوده‌اند و در هدایت آنان از آسمان الهام می‌گرفته‌اند.

و از آنجا که حج نیز یک فریضه بزرگ دینی است، پیامبران طلایه دار آن بوده و در اقامه شعائر حج، مردم را رهبری می‌کرده‌اند.

روایات بسیاری از پیامبران و اهل بیت علیهم‌السلام آمده است که همه انبیا و مرسلین، حج خانه خدا کرده‌اند و هیچ پیامبری از این فریضه ربّانی رخ بر نافتا است.

و اکنون برخی روایات این باب را می‌نگریم:

۱- بنا به روایت حلبی، از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسند: آیا قبل از بعثت

حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حج خانه کعبه وجود داشته است؟ امام در پاسخ می‌فرماید: «آری، و دلیل آن گفتار شعیب است که در قرآن آمده که در برابر ازدواج دخترش به حضرت موسی، گفت: ﴿...عَلَىٰ أَنْ تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَةَ حِجَجٍ...﴾»^{۱۱} مهریه‌اش این است که هشت حج اجیر من باشی و نگفت هشت سال.

همچنین، آدم و نوح حج گزاردند و سلیمان با همراهی جن و انس و پرندگان و باها حج به جای آوردند و موسی بر شتر سرخ موی آهنگ حج کرد در حالی که می‌گفت: «لیک، لیک» و همان‌گونه که قرآن کریم بیان می‌کند: «نخستین خانه‌ای که برای مردم نهاده شد، خانه‌ای است که در مکه است و هدایت‌گر جهانیان می‌باشد»؛ ﴿إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًىٰ لِلْعَالَمِينَ﴾.

و نیز خاطر نشان می‌سازد: «و آنگاه که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه را بالا می‌بردند» و نیز خطاب به ابراهیم و اسماعیل می‌فرماید: «خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع و سجود کنندگان، پاک و پاکیزه کنید و همانا خداوند حجرا لاسود را برای آدم فرستاد و خانه از همان زمان وجود داشت».^{۱۲}

۲- از امام رضا علیه السلام است که اگر کسی بپرسد: چرا موسم حج ماه ذی حجه مقرر گردیده است؟ در پاسخ گفته شود:

«برای اینکه خداوند دوست داشت که با این مناسک در ایام تشریق پرستیده شود و نخستین کسان که حج خانه نمودند، فرشتگان بودند که در همین ایام طواف کردند و این سنت همیشگی شد تا روز قیامت و اما پیامبران: آدم، نوح، ابراهیم، عیسی، موسی و محمد صلی الله علیه و آله و سایر انبیا در همین وقت حج به جا آوردند و این سنت شد برای فرزندان ایشان تا روز قیامت».^{۱۳}

و در کتاب «اخبار مکه» از رقی آمده است: «میان رکن و مقام تا حوالی زمزم قبر نود و نه تن از پیامبران است که به قصد حج بدین جا آمدند و پس از وفات به خاک سپرده شدند».^{۱۴}

حج در جاهلیت

مردم عصر جاهلیت در جزیره العرب و نواحی آن را عادت بود که خانه کعبه و منا و عرفات را تقدیس و احترام کنند. آنها طواف می کردند، تلبیه می گفتند و شتر قربانی می نمودند و رمی جمره می کردند، در حالی که جامه احرام در بر داشتند. حج آنها از روز نهم ذی حجه آغاز می شد و چون حاجیان به

عرفات می رسیدند، جامه مخصوصی که برای حج همراه داشتند به تن می کردند.

جا حظ در این باره می نویسد:

«سیمای اهل حرم نگاه که در غیر ماه های حرام از حرم خارج می شدند، این بود که قلاده به گردن افکنند و چیزی به آن بیاویزند و هرگاه یکی از آنان آهنگ حج می کرد لباس حاجیان در بر می نمود».^{۱۵}

محور حج جاهلیت، حج ابراهیمی بود. اعراب جز آداب حج چیز دیگری را از شریعت ابراهیم حفظ نکردند. هر چند چیزی از آن کم کردند یا چیزی بر آن افزودند. آنها بت ها را در خانه کعبه جای دادند که عددشان به بیش از سیصد می رسید و از جمله آنها هبل و لات و عزی و منات بود.

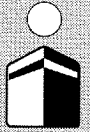
کلبی می نویسد:

«آنها کعبه و مکه را تعظیم می نمودند و حج و عمره به جای می آوردند و این میراثی بود که از ابراهیم و اسماعیل برای آنان مانده بود».^{۱۶}

و نیز می نویسد:

«اعراب جاهلیت بنا بر آنچه از عهد ابراهیم و اسماعیل برایشان به جای مانده بود خانه را تعظیم و طواف می کردند. حج و عمره و وقوف به عرفه و مشعر و هدیه کردن شتر قربانی و محرم شدن برای حج





و عمره، از جمله آداب آنها بود که با برخی آداب خودساخته آمیخته شده بود.^{۱۷}

قرآن کریم از حج اعراب جاهلی و اعمال آنها در جوار خانه کعبه سخن گفته و اعمال شرک آمیز و زشت آنان که با تفاخر و تجارت و هرج و مرج همراه بود، خاطر نشان می‌سازد: ﴿وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصْدِيَةً﴾^{۱۸} «نیایش آنها در جوار کعبه جز سوت و کف زدن نبود...»

هر یک از قبایل عرب جاهلیت بت مخصوص به خود داشتند که به دنبال آن لهله می‌کردند تا به مکه می‌رسیدند و چون حج به جا می‌آوردند، با صدای بلند هوسه می‌کشیدند و نزد آن بت می‌ایستادند و نماز می‌خواندند و چون تلبیه را تکرار می‌کردند، کف می‌زدند و سوت می‌کشیدند و تلبیه آنها این بود: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ إِلَّا شَرِيكَ هُوَ لَكَ، تَمَلِّكُهُ وَ مَا مَلَكَ»^{۱۹}

و از جمله شعائر برخی از آنها در هنگام طواف این بود که برهنه و بدون لباس طواف کنند.

شایان ذکر است که حج خانه کعبه در عصر جاهلیت، منحصر به اعراب نبود. تاریخ می‌گوید که ایرانیان و دیگر

ملت‌ها به قصد حج کعبه می‌آمدند و آن را بزرگ می‌داشتند و طلا و نقره و قربانی و نذورات به آن هدیه می‌کردند.

در مروج الذهب مسعودی آمده است: «ایرانیان پیشین آهنگ حج خانه خدا می‌کردند و آن را طواف و تعظیم می‌نمودند.» آخرین کسی که از ایرانیان حج نمود ساسان پسر بابک نیای اردشیر پسر بابک، که نخستین پادشاه و پدر سلسله ساسانیان بوده است. ساسان کسی بود که به زیارت کعبه آمد و آن را طواف نمود و در کنار چاه زمزم، زمزمه مناجات سر داد.^{۲۰} برخی سراینندگان ایرانی پس از ظهور اسلام به این موضوع اشاره کرده و می‌گویند:

و ما زلنا نحج البيت قدما

و نقلی بالأباطح آمیننا

و ساسان بن بابک سار حتی

أتی البيت العتیق یطوف دینا

فطاف به و زمزم عند بئر

لاسماعیل تروی الشاربینا^{۲۱}

«ما همواره از عهد دیرین، طواف خانه می‌نمودیم و در سرزمین مکه در امن و امان دیدار داشتیم.

و ساسان پسر بابک که به زیارت خانه کهن آمد و بنا به وظیفه دینی

طواف آن نمود.

و بر سر چاه زمزم که از آن اسماعیل است و تشنه کامان را سیراب می‌کند به زمزمه پرداخت.»

و نیز مسعودی می‌گوید:

«ایرانیان اموال و هدایا و جواهراتی را به کعبه هدیه می‌کردند؛ از جمله ساسان پسر بابک، مجسمه دو آهو که از طلا و جواهر ساخته شده بود و همچنین چند

شمشیر طلا و جواهرات فراوانی به کعبه هدیه کرد که در چاه زمزم ریخته شد.»

سپس می‌افزاید:

«برخی تاریخ نگاران و ارباب سیره بر آنند که این هدایا از سوی جرهم بوده که در مکه می‌زیسته‌اند، در حالی که آنها مال و منالی نداشتند. و شاید دیگران این‌ها را هدیه نمودند و خدا داناتر است.»^{۲۲}

○ پیا نوشتها:

۱. آل عمران: ۹۶
۲. انعام: ۷۰
۳. نحل: ۳۶
۴. نک: تاریخ تمدن ویل دورانت، ج ۱ و ۲ و کتاب «الحضارات»، صص ۲۶ و ۲۷ و دائرة المعارف، «المورد»، ج ۱، ص ۳۰
۵. نک: به کتاب الموسوعة العربية المیسرة، ص ۱۵۹
۶. نک: دائرة المعارف الاسلامیه، گروهی از مستشرقین، ج ۱۴، ص ۸۹ و کتاب الملل والنحل شهرستانی، ص ۴۷
۷. عقاد، ابراهیم ابو الانبیاء، ص ۸۹
۸. همان، ص ۹۱
۹. نک: تاریخ تمدن، ج ۲، ص ۱۳۳ (متن عربی).
۱۰. الفاروق، مجله اسلامی - فرهنگی، پاکستان.
۱۱. قصص: ۲۷
۱۲. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۴۴، ح ۳۳
۱۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۴۵
۱۴. اخبار مکه، ج ۱، ص ۶۸



١٥. البيان والتبيين، ج ٣، ص ٦٩
١٦. كلبى، الأصنام، ص ٦
١٧. همان.
١٨. انفال: ٣٥
١٩. الأصنام، ص ٧
٢٠. مروج الذهب، ج ١، ص ٢٥٤
٢١. همان.
٢٢. همان، ص ٢٥٥

